

هياهو براي هيچ

بهرز سورن

معرکه پيشا انتخاباتي شروع شده است و فضا سازي هاي پايه گذاران و مجريان حكومت سي و چند ساله جمهوري اسلامي نيز آغاز شده است. اگر چه اين رژيم براي بقاي خود حتي از دخالت اصلاح طلبان و رفورميست ها نيز در اين معرکه جلوگيري بعمل مي آورد اما يك نکته عرفي را در زمينه هاي بين المللي نميتواند نادیده بگيرد و آن هياهو پسا انتخاباتي و جار زدن مشروعيت نظام در برابر ديد دول جهاني است. نمايش وسيع! و گسترده! امت شهيد پرور در انتخابات! و

بنا بر اين جمهوري اسلامي نياز مند شركت ميليوني مردم در انتخابات است مشروط به اينكه انتخاب شونديگان گزيده شده و اهل دستيوسي ولي فقيه باشند. چهره هاي باقي مانده كه بنحوي از سوي پوزيسيون رژيم باد شده و ايجاد هيجانات تصنعی برای كشيدين مردم به پاي صندوق رای می کنند. كساني نيستند جز آنان كه براي حفظ كليت جمهوري اسلامي بدرجات مختلف دستشان بخون جوانان و فرهيختگان كشورمان آلوده است و از هر جنايتي با مشاركت خود در آنها كوتاهي نكرند.

احمدی نژاد و مشائي، خاتمی و هاشمی خبرسازان انتخاباتي شده اند و شعبده بازان حكومتي اينچنين جاي خالي نمايندگان مردمی و احزاب و سازمانهاي در تبعيد و شخصيت هاي سياسي اجتماعي و... را پر می کنند.

بنا بر اين با موج اين هياهو براي هيچ رفتن تنها از افرا دي بر می آيد كه با دنياي سياست و پيچيدگي هاي آن كمتر آشنائي دارند. آنچه ديده می شود كف روی آب است و نه امواج زیر آب.

متاسفانه ديده می شود كه در ميان تبعيديان نيز و هم آنها كه چند دهه در تبعيد هستند تحليل هائي مبنی بر وجود اختلافات اساسي و آنچه در ميان اندك جريانات مجاز به شركت در انتخابات ارائه می شود و گوي قرار است اختلافات حكومتي خودي ها بنيان كن شود.

بدرستي برخي اظهار می کنند كه از ميان اختلافات در ميان حكومتیان می بايستي بهره جست و از اين شكاف به سود جريانات انقلاب و ساختار شکن استفاده كرد. راست است كه اين اختلافات بر شكندگي ساختار نظام می افزايد و احيانا فضائي براي حضور منتقدان و مخالفان رژيم باز می شود. بی تردید از شدت سر كوب هاي حكومتي عليه كارگران و دانشجويان و خلاصه مردم كشورمان كاسته خواهد شد و پز دمكراتيک گرفتن رژيم مزید بر علت خواهد شد. اما مگر همین مردم بارها انتخابات پيشين را تجربه نكرده اند؟

آنچه در اين انتخابات مورد بررسي تحليل گران سياسي مجرب قرار خواهد گرفت نه نتيجه انتخابات به نفع اين يا آن حكومت گر فعلي يا پيشين است بلكه ميزان شهرونداني است كه به اين انتخابات نه گفتند و

در آن شرکت نکردند. هم از اینروست که اپوزیسیون جمهوری اسلامی با طرح شعار تحریم انتخابات و نه به برگزاری استبدادی آن میتواند از جایگاه و هویت خود سخن بگوید.

عدم مشروعیت نظام و دشمنی اش با دموکراسی مقوله ای نیست که از امروز یا فردا طرح شده باشد بلکه با اولین جنایات رژیم در صحنه سیاسی و بستن دفاتر سازمانها و اعدام های سیاسی آغاز شده است و این نکته حداقل به سه دهه پیش برمی گردد.

امروز و هنوز رفورمیست هایی که همواره چشم به بالائی ها داشته و دارند انگشت به دهان انتظار حضور هاشمی رفسنجانی را در لیست کاندید ها می کشند تا هوار شرکت در انتخابات را سر دهند. حال آنکه ایشان در دوره های ریاست جمهوری خویش جز به خاک و خون کشیدن مخالفان نظام را در پرونده خود ندارد.

از همین رو اعتقاد خود به آزادی و دموکراسی را می توانیم با شعار تحریم انتخابات نشان دهیم هر چند که با سرانجام انتخابات گزینشی رژیم آب از آب تکان نخورد و شاهد جابجائی های مهره های حکومتی و قهقهه مستانه ولایت فقیه باشیم.

بهروز سورن

7.5.2013

Sooren001@yahoo.de